

ولایت لهوگر

دگرگونی ستراتیژیک یک جامعه کهن

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

بخش سوم

الهی! اشک چشمی، سوز آهی فروزان خاطری، روشن نگاهی

ز هر سو بسته شد در های امید کلیدی، رخنه ئی، راهی، پناهی



نا هماهنگی اجتماعی - اقتصادی در قرن بیستم

اختلاف و نا هماهنگی اجتماعی - اقتصادی ارتباط می گیرد به موقعیت جغرافیای فیزیکی، که از لا به لای دو بخش بودن بین مناطق کوهستانی در جنوب و شرق لهوگر از یک طرف، و مناطق هموار دره های حاصل خیز مرکز ولایت لهوگر از طرف دیگر نشان داده می شود. باوجود آن، مناطق کوهستانی نشان دهنده یک تصور اجتماعی - اقتصادی یکسان نمی باشد. و این مناطق بصورت کم و بیش با نادر بودن مواد تولیدی زراعتی، که ارتباط به اوضاع محیطی مختلف می نماید، مشخص گردیده است.

به صورت مسلم در محیط کوهستانی عیناً مانند دره ها، نا هماهنگی های اجتماعی - اقتصادی توسط تقسیم نمودن دو منبع که در تولیدات زراعتی سهم دارند که همانا آب و زمین است، معین و مشخص می گردد. (معلومات خیلی نادر در

مورد بهره برداری اجتماعی - اقتصادی این ولایت موجود است، و این معلومات به ارتباط فعالیت های مالداري (Trancehumance) گروپ های نیمه کوچی ها به ارتفاعات بلند نیز نادر می باشد، این گروپ آخرین تعداد شان در این ولایت زیاد است، اما اسناد در دست نیست).



اختلاف یا نا هماهنگی های اجتماعی - اقتصادی در مناطق کوهستانی لهوگر:

در اواخر قرن نوزدهم میلادی، احصائیه ای که توسط انگلیس ها داده شده است، ولسوالی خروار نمایندگی از یک ولسوالی فقیر می کند، نظر به عدم موجودیت زمین زراعتی، که در این ولسوالی لهوگر نادر است.

بلندی یا تپه ای به همین نام که در ارتفاع ۱۵۰۰ متر واقع و توسط یک دریای مهم آبیاری می شود، اما دورادور این منطقه با سنگ های بزرگ و بلند، مطلقاً احاطه و محصور می باشد.

امروز جنوب ولسوالی به صورت تپه ها تشکیل شده که در آن گندم للمی کشت می شود. (للمی عبارت است از این است که، کشت گندم از ذخیره آب برف زمستان استفاده می کند و آبیاری ضرورت ندارد).

قله های کوه که راه های عبور و مرور بسیار مشکل داشته و از آن ها زیاد استفاده کرده نمی شود، از این راه ها در زمستان عبور خیلی ها مشکل و برای مواشی غیر ممکن است که از این مناطق به حیث چراگاه استفاده نمایند، و همین جهت راه عبوری در ولسوالی های همجوار ولایات پکتیا و غزنی در جنوب - شرق و جنوب - غرب استفاده به عمل می آید.

در مقابل در سال های ۱۸۸۰ میلادی ولسوالی چرخ که در پهلوی آن موقعیت دارد به ولسوالی خروار توسط یک سرک وصل و به صفت یک ولسوالی غنی زراعتی نامیده شده، که زیاده تر تأنید بالای کشت گندم شده است.

مزارع توسط باغ های میوه و درختان بادام که بالای کوه ها و اطراف آن می رویند، احاطه و محصور می باشد.

آب نسبتاً فراوان، اما به ارتباط تجمع زیاد نفوس در این درّه، فشار زیاد که بالای آنست، و همچنان در سال ۱۹۱۲م کوه ها و تپه های ولسوالی کوچی را برای فعالیت زراعتی بسیار مساعد و بسیار خرم، شاداب و پر رونق نامیده اند.

اختلاف و نا هماهنگی اجتماعی - اقتصادی در داخل درّه لهوگر:

به قرار تشریحاتی که به تاریخ ۱۹۱۲ میلادی داده شده است دره اساسی لهوگر نشان دهنده سه پارچه مشخص و آشکار می باشد. قسمت جنوبی دلالت به ولسوالی برکی برک فعلی می نماید که زیادتین نفوس را دارا می باشد و هم از جمله غنی ترین ولسوالی های لهوگر به شمار می رود. در قرن بیستم به حیث ذخیره گاه گندم کابل یاد میگردید.

قسمت های مرکزی که عبارت از ولسوالی کلنگار، کمتر زراعتی می باشد، و بالاخره قسمت شمالی ولایت که عبارت از منطقه محمد آغه می باشد، که در آن جا بالای یک زمین خیلی کم عرض در دو طرف دره مزارع وجود دارد. به صورت عمومی قریه جات بسیار کم از هم دیگر فاصله دارند، و تراکم نفوس در آن جا زیاد دیده می شود.

بعد از سال های ۱۹۶۰ میلادی، که سال های نو سازی زراعت و تغییر شکل دادن تخنیک تولیدات بود، دره لهوگر از بلند رفتن حاصلات زراعتی مستفید گردید. و این بلند رفتن تولیدات زراعتی در تمام افغانستان محسوس گردید.

دو پلان پنج ساله سال های ۱۹۵۶ میلادی و ۱۹۶۶ میلادی، در زمینه زراعت، جهت ارتقای تولیدات زراعتی و تأمین ارزاق و همچنان متنوع ساختن کشت و تولیدات زراعتی برای تجارت، با زیاد نمودن مساحت زمین قابل کشت، از برکت بهتر ساختن سیستم آبیاری و توزیع تخم های بذری اصلاح شده و کود های کیمیاوی اقدام گردید.

ادامه دارد